

# **The Methodology of Ayatollah Muhammad Hadi Ma'rifat in Responding to Quranic Doubts**

---

**Hassan Reza Rezaei<sup>\*</sup> and Hamid Karimi<sup>\*\*</sup>**

---

Received Date: 2025/1/19

Accepted Date: 19/2/2025

The methodology of Quranic scholars and thinkers in the field of responding to doubts dates back to recent years, and methodology refers to the contextual content analysis and understanding of general and common approaches in the quality of responding to doubts. Ayatollah Ma'rifat, as one of the contemporary, prominent scholars specializing in Quranic sciences and exegesis, paid considerable attention to Quranic doubts and responses to them. The present paper seeks to answer the question: What was Ayatollah Ma'rifat's methodology in responding to Quranic doubts? This research, using an analytical-descriptive method and extracting from Professor Ma'rifat's writings through direct and implicit indication, has been organized with library resources and Islamic sciences software for data collection. Some of the findings indicate that he employed various methods, such as the Quran-to-Quran approach, the hadith-based approach, refutational and explanatory approaches, rational methodology, historical methodology, scientific methodology, linguistic methodology, utilization of perspectives from both Shi'a and Sunni schools, employment of simplified understanding, and others to address doubts. The professor, in most of his writings, demonstrated serious commitment to responding to doubts—especially contemporary ones.

**Keywords:** *Ayatollah Ma'rifat, Methodology of responding to Quranic doubts, Responding to Quranic doubts, Professor Ma'rifat's response methodology.*

---

\* Assistant Professor at Al-Mustafa International University/ Corresponding Author (hasanreza.rezaee@gmail.com).

\*\* Associate Professor at Iran University of Science and Technology (karymi@iust.ac.ir).

نصف سنوية علمية محكمة  
مطالعات شبهه پژوهی  
السنة الثانية، الرقم الخامس، الخريف والشتاء ١٤٤٥ق

## منهجية الأستاذ محمد هادي معرفت في الرد على الشبهات القرآنية

حسن رضائى\* و حميد كريمي\*\*

القبول: ١٤٤٦/٨/٢٠

الإستلام: ١٤٤٦/٧/١٨

إن دراسة منهجية باحثي القرآن الكريم والمفكرين في مجال الرد على الشبهات تعود إلى السنوات الأخيرة، والمنهجية تشير إلى علم سياق المحتوى والتعرف على المناهج العامة والمشاركة في نوعية الرد على الشبهات. آية الله معرفت من العلماء المعاصرين البارزين والمتخصصين في علوم القرآن والتفسير، قد أولى اهتماماً كبيراً للشبهات القرآنية والرد عليها. قد سعى البحث الحالي إلى الإجابة على السؤال التالي: ما هو منهج آية الله معرفت في الرد على الشبهات القرآنية؟ وتم تنظيم الدراسة الحالية بالاعتماد على المنهج الوصفي التحليلي، والاستخلاص من مؤلفات الأستاذ معرفت بطريقة استنتاجية ضمنية، وجمع البيانات من المكتبات والبرامج الإلكترونية للعلوم الإسلامية. ومن النتائج التي توصل إليها البحث الحاضر أن الأستاذ رد على الشبهات بأساليب مختلفة، مثل طريقة القرآن بالقرآن، والطريقة الروائية، وطريقة التناقض والحل، والطريقة العقلانية، والطريقة التاريخية، والطريقة العلمية، والطريقة اللغوية، وطريقة الاستفادة من آراء الفريقين، والاستفادة من الفهم السهل، وغير ذلك. وفي أغلب مؤلفاته، أولى الأستاذ اهتماماً شديداً بالرد على الشبهات وخاصة الشبهات الجديدة.

**الكلمات المفتاحية:** آية الله معرفت، منهج الرد على الشبهات القرآنية، الرد على الشبهات القرآنية، منهجية الرد لدى الأستاذ معرفت.

\* أستاذ مساعد، جامعة المصطفى العالمية/ الكاتب المسؤول (hasanreza.rezaee@gmail.com).

\*\* أستاذ مشارك، جامعة علم وصنعت إيران (c.ir.karymi@iust.a).

# روش‌شناسی استاد محمدهادی معرفت در پاسخ به شبهات قرآنی

حسن‌رضا رضائی\* و حمید کریمی\*\*

تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۱۲/۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۳۰

## چکیده

روش‌شناسی قرآن‌پژوهان و متفکران در عرصه پاسخ‌گویی، به سال‌های اخیر برمی‌گردد و منظور از روش‌شناسی، بافت‌شناسی محتوایی و شناخت شیوه‌های کلی و رایج در کیفیت پاسخ‌گویی به شبهات است. آیت‌الله معرفت از جمله علمای معاصر، برجسته و متخصص در علوم قرآن و تفسیر، توجه بسیاری به شبهات قرآنی و پاسخ به آنها داشته است. نوشتار پیش رو به دنبال پاسخ به این پرسش است که روش آیت‌الله معرفت\* در پاسخ به شبهات قرآنی چیست؟ پژوهش حاضر با روش تحلیلی - توصیفی و با استخراج از مکتوبات استاد معرفت به صورت دلالی و تضمنی سامان یافته و روش گردآوری مطالب آن کتابخانه‌ای و نرم‌افزارهای علوم اسلامی است. برخی نتایج حاصله این است که ایشان با روش‌های متفاوت همچون روش قرآن به قرآن، روش روانی، روش نقضی و حلّی، روش عقلی، روش تاریخی، روش علمی، روش لغوی، روش بهره‌گیری از دیدگاه‌های فریقین، بهره‌گیری از فهم آسان و... به شبهات پاسخ می‌گفت. استاد در بیشتر مکتوبات خویش به پاسخ شبهات - مخصوصاً شبهات جدید - اهتمام جدی داشت.

**واژگان کلیدی:** آیت‌الله معرفت، روش پاسخ به شبهات قرآنی، پاسخ به شبهات قرآنی، روش‌شناسی پاسخ استاد معرفت.

آیت الله معرفت<sup>۱</sup> از جمله علمای برجسته شیعه و مفسر قرآن بود که تأثیر بسیاری در حوزه علوم و تفسیر قرآن و پاسخ به شبهات قرآنی گذاشت. ایشان با رویکرد علمی و دقیق خویش به تحلیل و تبیین مفاهیم قرآنی می‌پرداخت و در پاسخ به پرسش‌ها و شبهات گوناگون در مورد آیات قرآن کریم، از روش‌هایی استفاده می‌کرد که از نظر عقلی و دینی قابل قبول و قابل فهم بودند.

شناخت روش آیت الله معرفت<sup>۲</sup> در پاسخ به شبهات قرآنی از جهات گوناگون دارای اهمیت است و تأثیر بسزایی در فهم صحیح و روش جامع قرآن و پاسخ‌گویی به شبهات دارد. ابعاد اهمیت این روش مانند تقویت رویکرد علمی و دقیق در تفسیر قرآن، پاسخ‌گویی به چالش‌های زمان، تسهیل فهم قرآن برای عموم، ایجاد تعادل میان عقل و نقل، ترویج وحدت اسلامی، افزایش اعتماد و ایمان به قرآن و تحریک تفکر انتقادی است. در مجموع روش آیت الله معرفت در پاسخ به شبهات قرآنی نه تنها یک روش علمی برای تفسیر قرآن است، بلکه رویکردی جامع و تأثیرگذار برای فهم عمیق‌تر و گسترده‌تر این کتاب آسمانی می‌باشد که هم به تقویت ایمان و باور دینی کمک می‌کند و هم پاسخ‌گوی نیازهای روز جامعه است.

درباره روش‌شناسی پاسخ، به‌صورت عام و خاص مکتوباتی تنظیم شده است؛ مانند روش‌شناسی پاسخ‌گویی به پرسش‌های اعتقادی در فرهنگ قرآن و اهل بیت<sup>۳</sup> / اثر محسن عباسی ولدی، روش‌شناسی اهل بیت<sup>۴</sup> در پاسخ به شبهات / اثر محمد صالح جباری، مقاله «پاسخ‌گویی به سؤالات از منظر قرآن کریم (مبانی، اهداف، شیوه‌ها و نمونه‌ها)» / اثر مجید خاموشی، مقاله «روش‌شناسی استاد محسن قرائتی در پاسخ‌گویی به شبهات دینی» / اثر سید محمد مهدی موسوی‌نیا و محمد باقر پورامینی، مقاله «روش‌شناسی پاسخ به شبهات در اندیشه و آثار علامه طباطبایی<sup>۵</sup>» / اثر امیر علی حسنلو و حمید کریمی که در مجله شبهه‌پژوهی چاپ شده است، ولی درباره روش‌شناسی آیت الله معرفت در پاسخ‌دهی به شبهات قرآنی، مقاله یا کتابی یافت نشد.

نوشتار حاضر با بررسی روش آیت الله معرفت در پاسخ به شبهات قرآنی، همراه با مصادیق شبهه و پاسخ آن، گامی کوچک در جهت تقویت بنیه علمی و پژوهشی حوزه‌های علمیه و ابزاری برای تربیت محققان و مفسران توانمندتر است. تحقیق حاضر با تبیین روش‌شناسی پاسخ به شبهات قرآنی آیت الله معرفت، به ترویج فرهنگ قرآنی و ارتقای سطح آگاهی دینی جامعه و شناخت علمی استاد معرفت یاری می‌رساند.

## ۱. مفهوم‌شناسی

بررسی نظام‌مند مفاهیم، نه تنها به درک بهتر موضوع کمک می‌کند، بلکه ابزاری خوب برای تشخیص مسیر، طراحی ایده‌ها و توسعه نظریه‌های علمی است؛ از این رو مطالعه و پژوهش در حوزه مفهوم‌شناسی ضروری است.

- **شبهه:** کلمه شبهه بر مشابه بودن دو چیز و هم‌شکل بودن دو چیز از نظر رنگ و صفت دلالت می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۴۳) و در لسان‌العرب آمده است: به معنای پوشیدگی کار و مانند آن و امری است که در آن حکم به صواب و خطا نکنند (ابن‌منظور، ۱۹۹۰، ج ۱۳، ص ۵۰۴). راغب اصفهانی می‌نویسد: شبهه آن است که دو چیز در اثر مماثلت و مشابهت، از یکدیگر تشخیص داده نشوند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ص ۴۴۳). در مورد اصطلاح شبهه، امیر مؤمنان علیه السلام در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «وَأَمَّا سُمِّيَتْ الشُّبُهَةُ شُبُهَةً لِأَنَّهَا تُشْبِهُ الْحَقَّ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۳۸)؛ شبهه را شبهه می‌گویند؛ زیرا شبهه‌ای که در خارج مطرح می‌کنند، شبیه حق است؛ به عبارت دیگر هر اشکال، پرسش یا ابهامی را که سبب منشأ خطا و اشتباه در شناخت حق از باطل گردد، شبهه می‌گویند.

- **روش:** واژه‌ای فارسی و به معنای قاعده، قانون، شیوه، اسلوب، سبک و رسم و آیین است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۸، ص ۱۲۳۸۷) و در عرف دانش، مجموعه شیوه‌ها و تدابیر برای شناخت حقیقت و برکناری از لغزش است (ساروخانی، ۱۳۸۰، ص ۴۸۹). روش پاسخ‌گویی، مستند یا مستنداتی که پاسخ‌گو در پاسخ از آن بهره می‌گیرد و چگونگی پاسخ صحیح با استفاده از ابزار یا روش خاص در اقتناع شبهه‌کننده و مخاطب را روش پاسخ‌گویی می‌نامند. استاد معرفت، روش را منهج می‌نامد و آن را به معنای به‌کارگیری منبع یا منابع خاصی در تفسیر می‌داند (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۹)؛ در نتیجه روش به معنای راه رسیدن به معرفت در یک علم خاص است. روش‌شناسی یا متدولوژی، درصدد شناخت روش علم است که به بررسی راهی می‌پردازد و ما را در یک علم به معرفت می‌رساند (ر.ک: برنجکار، ۱۳۹۰، ص ۳۶).

## ۲. زیست‌نامه آیت‌الله معرفت

محمد‌هادی معرفت از عالمان شیعه و محققان علوم قرآنی، متولد کربلا و از نوادگان شیخ عبدالعالی میسی است. تحصیلات حوزوی را در حوزه علمیه کربلا، نجف و قم گذراند و سپس در کنار فقه و اصول، توان خود را در تفسیر و علوم قرآن به کار برد. کتاب‌هایی از ایشان در این عرصه باقی مانده است که مجموعه ده‌جلدی «التمهید»، «صیانة القرآن من التحریف»، «التفسیر

والمفسرون»، «الشبهات والردود»، «علوم قرآنی» و «تاریخ قرآن» از جمله آنهاست. استاد معرفت در دی ماه ۱۳۸۵ درگذشت و در حرم حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد (نصیری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۵۶).

شخصیت ایشان برجسته و ممتاز بود. او با تلاش خویش توانست جریان قرآن پژوهی را در سطح جهان اسلام حرکت دهد. تلاش و کوشش خستگی ناپذیر وی در امر تحقیق و تدریس مشهود بود. ده‌ها عنوان کتاب، صدها مقاله، درس و سخنرانی و... حاصل تلاش شبانه‌روزی چند دهه از عمر بابرکت ایشان بوده است.

از ویژگی‌های دیگر استاد اینکه وی احیاگر، بلکه پایه‌گذار رشته علوم قرآن در مکتب شیعه بود. مفسران شیعه و اهل قرآن در گذشته، علوم قرآن را در مقدمه تفسیر می‌آوردند، ولی ایشان به صورت مستقل در چند جلد بدان پرداخته است. همچنین دارای نظریه‌های نوینی در عرصه قرآنی بود؛ مانند نظریه بطن قرآن، نظریه نسخ تمهیدی، نظریه تداعی معانی در تفسیر عرفانی، دیدگاه خاص در مورد صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله، دیدگاه خاص در نگارش تطبیقی تفسیر، دیدگاه خاص در مورد موجودات نامرئی، اعجاز قرآن در مورد محتوا و نظریه‌های علمی و...

ایشان علاوه بر شجاعت علمی و ابراز دیدگاه خویش، به دنبال وحدت و تقریب مذاهب بود و در مکتوبات خود با قلم محققانه و به صورت مؤدبانه مباحث مخالفان را نقد می‌کرد که نتایج این رفتار را امروزه در مجامع علمی اهل سنت شاهدیم. از ویژگی‌های مهم و شاخص استاد، توجه به مسائل و شبهات روز بود و مکتوبات وی گویای این نکته است که به تمامی شبهات قدیم و جدید - خاصه شبهات روشنفکران و مستشرقان - موضوع بحث اشاره می‌کرد و پاسخ می‌داد؛ به عبارت دیگر غیرت دینی داشت. اگر در جایی به قرآن کریم حمله می‌شد، با استدلال قوی وارد میدان می‌شد و پاسخ می‌داد؛ برای نمونه احسان الهی ظهیر، نویسنده متعصب پاکستانی، شیعیان را متهم ساخت که به تحریف قرآن قائل‌اند. استاد معرفت در مدت شش ماه کتاب *صيانة القرآن عن التحريف* را در پاسخ وی به رشته تحریر درآورد (نصیری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۸۰). مهم‌تر اینکه نگاه ایشان جهانی و بر اساس مصالح مسلمانان بود و دیدگاه وی منحصر در یک محدوده جغرافیایی یا یک محدوده زمانی نمی‌گنجید (همان، ج ۲، ص ۳۰).

### ۳. آیت‌الله معرفت و ضرورت پاسخ‌گویی به شبهات

استاد معرفت، شبهه را امری پسندیده و بایسته می‌دانست که ضامن پیشرفت کاروان علم و دانش و روند تحقیق و پژوهش است و آن را یکی از نعمت‌های الهی برای اهل تحقیق ترسیم

می‌کرد. او در جایی می‌نویسد: «دانشمند پس از شک به دنبال تحقیق می‌رود، وگرنه مانند بسیاری از فقها تقلیدگونه عمل می‌کند» (همان، ج ۳، ص ۴۰). وی معتقد است:

تمام دستاوردهای علمی والا، از شک و تردید ایجاد شده است. این شک است که انسان‌ها را به سوی تحقیقات ارزشمند سوق می‌دهد. حتی از شبهات دیگران باید استقبال کرد؛ چون بسیاری از مسائل مورد غفلت است، اما بعد از شبهه متوجه خلأها می‌شویم (همان، ص ۶۹).  
گفتنی است شبهه‌ای که پاسخ داده نشود، مایه فتنه خواهد بود و امام رضا علیه السلام آن را مهم‌تر از فتنه دجال معرفی کرده است (حرّ عاملی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۱۷۹).

اهتمام و توجه جدی استاد به ضرورت پاسخ‌دهی به شبهات، از فعالیت علمی و دینی وی قابل استخراج است. ایشان در مصاحبه‌ای می‌گویند:

من فکر می‌کردم مردم، بیشتر شبهات را نمی‌دانند؛ پس بهتر است به آن نپردازیم، تا اینکه دیدم یکی از سرشناسان حوزه در یک مقاله‌ای ده مورد از شبهات قرآنی را بدون نقد و ردّ در یکی از مجلات، به چاپ رسانده و فقط در آخر گفته که این شبهات وارد نیست! در شماره بعدی همین‌طور! ... تا اینکه در مدت سه‌سال، إعجاز‌التمهید را [که پاسخ به شبهات بود] نوشتم (نصیری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۹).

ایشان ضرورت پاسخ‌گویی به شبهات را در ایام جوانی متوجه شده بود و زمانی که در کربلا بود، دست به تأسیس و نشر ماهنامه‌ای با عنوان «أجوبة المسائل الدینیة» زد و با اعلام: «سؤال‌های دینی شما را پاسخ‌گو هستیم»، با کمال جدیت مشغول این وظیفه شد (همان، ج ۱، ص ۱۶۶)؛ حتی دانشگاه‌ها و کشورهای دیگر نیز از آن استقبال کرده بودند (بهجت پور، ۱۳۸۳، ص ۱۰-۴۴). به‌طور قطع استاد ضرورت پاسخ‌گویی را با تأسی از امام صادق علیه السلام درک نموده که می‌فرماید:

علماء شیعتنا مرابطون بالثغر الذی یلی ابلیس ... فمن إنتصب لذلك من شیعتنا کان أفضل ممن جاهد الروم والترك والخزر ألف مرة لأنه یدفع عن اديان محبینا و ذلک یدفع عن ابدانهم: علمای شیعه ما مرزدارانند که بر مرزهای ایمان مردم و در برابر ابلیس و پیروانش به مرزداری می‌پردازند. آنها را از هجوم به ضعفای شیعه بازمی‌دارند و شیعه را از تسلط ابلیس و یاران ناپاکش محفوظ و مصون نگه می‌دارند. آگاه باشید! آن‌کس از شیعیان که چنین وظیفه‌ای را به عهده می‌گیرد، هزار هزار مرتبه برتر از مجاهدان است که با [دشمنان آن روزگار اسلام] روم و ترک و خزر جهاد می‌کنند؛ چون او از دین محبان ما دفاع می‌کند و مجاهدان از بدن‌های ایشان (مجلسی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵).

سپس حضرت می‌فرماید: «جواب مجاهدانی که در این راه جهاد می‌کنند، یک میلیون بار بیشتر از ثواب مجاهدانی است که در اقصی نقاط عالم اسلامی می‌جنگند».

استاد معرفت با اشاره به مطالعات قرآنی مستشرقان، پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات آنان را یکی از ضرورت‌های غیرقابل انکار می‌داند (نصیری، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۱۱۲)؛ به‌همین دلیل در پاسخ به شبهات وارده از سوی شرق‌شناسان و برخی روشنفکران، ضرورت تألیف کتاب «شبهات و ردود» را احساس و آن را در سال ۱۳۸۲ به زیور طبع آراسته است (همان، ج ۱، ص ۱۶۶).

همچنین با تتبع فراوان و تحقیق گسترده به سراغ پاسخ به شبهه می‌رفت. ویژگی پاسخ استاد، استوارسازی اندیشه و نظریه، بهره‌گیری از خرد مخاطبان در امر پاسخ، بهره‌مندی از قلم زیبا، شیوا و استوار، نظریه‌پردازی و... بوده است (همان، ج ۳، ص ۵۰-۵۴). از نگاه ایشان پاسخ به شبهات، ثمرات فراوانی در حوزه حفظ و تقویت ایمان دینی مردم دارد و ضرورت دارد پاسخ‌های مستند و عقلانی - نه سطحی و هیجانی - توسط علما و پژوهشگران صورت گیرد.

#### ۴. آیت‌الله معرفت و توجه به شبهات جدید

در بیشتر کتاب‌های آیت‌الله معرفت به شبهات جدید توجه شده و سعی بر پاسخ آن بوده است. در اینجا به‌اختصار به برخی شبهات اشاره خواهد شد:

۱. شبهه شق‌القدر: برخی تعدادی از آیات قرآن کریم را به‌عنوان استناد به این موضوع در نظر گرفته‌اند، ولی آیت‌الله معرفت معتقد است این آیات مربوط به قیامت بوده و ارتباطی به این موضوع ندارد (همان، ج ۵، ص ۳۶۲).
۲. توفان نوح: وی معتقد بود این توفان، جهانی نبوده و فقط مخصوص منطقه خاصی بوده است (معرفت، ۱۴۲۹، ج ۵، ص ۸۰).
۳. الترائب: با پیشرفت علم پزشکی این‌گونه عنوان شده است که ماء دافق (آب گندیده) ارتباطی به سینه زن (= ترائب) ندارد، درحالی‌که این موضوع در قرآن کریم عنوان شده است. آیت‌الله معرفت برای حل این مسئله در التمهید می‌گوید: ترجمه و تفسیر مفسران و مترجمان از این عبارت غلط است و ترائب، نه به‌معنای سینه زن، بلکه به‌معنای جلوی ران مرد و ناحیه گردن بوده و فقط برای مرد بیان شده است و اصلاً ارتباطی به زن ندارد و ماء دافق از پشت و جلوی مرد خارج می‌شود (همان، ج ۶، ص ۶۲).
۴. یا أخت هارون: این شبهه به‌علت ناهم‌زمانی حضرت مریم با هارون است و می‌گوید: چگونه ممکن است این دو خواهر و برادر باشند، درحالی‌که سال‌ها با یکدیگر فاصله زمانی داشته‌اند. آیت‌الله معرفت معتقد بود این عبارت فقط ضرب‌المثل بوده و معنای آن این است که ای کسی که در پاکی مانند خواهر هارون هستی! (همان، ص ۹۴).

۵. رؤوس الشیاطین: اعراب جاهلی معتقد بودند «مجانین» افرادی جن‌زده‌اند، نه بیمار روانی، در صورتی که امروزه دقیقاً خلاف این عقیده را قبول داریم. وی در این‌باره می‌گفت: در اینجا رؤوس الشیاطین نه به معنای سرهای شیطان، بلکه نوعی گیاه با بو و رنگ بد بوده و نوعی تمثیل است (همان، ج ۴، ص ۲۶۸).

۶. چشم‌زخم: استاد معرفت معتقد است در قرآن کریم هیچ مستندی اعم از آیه «وإن یکاد...» و آیات سوره ق برای اثبات چشم‌زخم نمی‌توانیم بیابیم؛ اگرچه این موضوع از طریق روایات و منابع دیگر قابل اثبات است (همو، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۸۰).

۷. «من کل شیء خلقنا زوجین»: این شبهه با تکثیر تک‌سلولی‌ها بدون وجود دو جنس نر و ماده از آنها بروز کرد و می‌گوید همه حیوانات نر و ماده ندارند و زوج نیستند. آیت‌الله معرفت در این‌باره می‌گوید زوج در قرآن و در همه جا به معنای دو جنس نر و ماده نیست، بلکه در برخی آیات به معنای قرین و مشابه است؛ مانند دو لنگه یک جفت کفش؛ یعنی آمیب‌ها و تک‌سلولی‌ها نیز که با تقسیم شدن تکثیر می‌شوند، قرین و مشابه دارند (همان، ص ۳۸۵).

۸. «نعمی القلوب التي فی الصدور» (حج: ۴۶): برخی افراد قلب در آیه را قلب صنوبری گرفتند و کوری آن را عبث مطرح کردند، ولی استاد می‌فرماید: «مراد از قلب در این آیه، قلب صنوبری نیست، بلکه کنایه از ذات و درون انسان است و قلب وجودی انسان» (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۷۰).

۹. سخن‌گفتن مورچگان با حضرت سلیمان: آیت‌الله معرفت امکان این سخن‌گفتن را اثبات می‌کند (همان، ص ۳۸۹).

۱۰. «فکسونا العظم لحما» (مؤمنون: ۱۴): عده‌ای از پزشکان می‌گویند نحوه رشد جنین این‌گونه است که بر خلاف قرآن، ابتدا گوشت و بعد استخوان تشکیل می‌شود. آیت‌الله معرفت در این‌باره نیز معتقد است قرآن می‌گوید ابتدا گوشت می‌روید، ولی مواد کلسیم در ناحیه‌ای زیاد می‌شود و در همان ناحیه مجدداً گوشت می‌روید و آن را از اعجازهای علمی می‌داند (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۹۱).

۱۱. شهاب‌سنگ‌ها و موضوع رجم شیاطین (حجر: ۱۸): استاد معرفت معتقد است:

هم فهم بشر و هم الفاظ بشری، محدود و کاربرد آنها صرفاً در گستره عالم ماده است؛ به همین دلیل نمی‌توان به کمک آنها از جهان لطیف و ظریف مجردات خبر داد؛ بنابراین هرگاه در قرآن کریم سخن از عالم مجردات به میان می‌آید، بی‌گمان کاربردی استعاری و تمثیلی است (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۹۵).

۱۲. «تغرب فی عین حَمَته» (کهف: ۸۶): این عبارت ناظر به این است که ذوالقرنین تصور کرد خورشید در چشمه گل‌آلودی فرومی‌رود که عده‌ای عنوان می‌کنند این موضوع با ثابت بودن

خورشید منافات دارد. ایشان بیان می‌کند که قرآن کریم می‌فرماید: ذوالقرنین پنداشت و تصور کرد، نه اینکه قرآن بخواهد بگوید واقعاً همین‌طور است و این موضوع را می‌توان از واژه «وجدها» در ابتدای آیه اثبات کرد (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۶۲۵).

۱۳. فرضیه تکامل داروین: یکی از موضوعات بسیار چالش‌برانگیز، مسئله تکامل انواع است که ایشان با زیرکی بدان پاسخ می‌دهد و می‌فرماید: دیدگاه داروینیسیم مخالف قرآن نیست، ولی نیاز به بررسی دارد (همو، ۱۴۲۹، ج ۵، ص ۳۵ به بعد).

## ۵. نگاه تربیتی در سایه پاسخ‌گویی

از مکتوبات و مقالات استاد که در جهت پاسخ‌گویی بوده، درمی‌یابیم که وی توجه فراوانی به بُعد تربیت و هدایت مخاطب داشت. تمامی تلاش وی در پاسخ‌گویی، هدایت‌محور بوده است. استاد از میان سه شیوه «برخورد تکفیرآمیز و مرتدپنداری»، «مواجهه تحقیرآمیز» و «پاسخ به دور از دشمنی و همراه با عطف و استدلال»، فقط شیوه سوم را درست می‌داند و می‌گوید:

کسی که سؤال دارد همانند فرد مریض است. آیا می‌توان به مردم گفت نباید مریض شوید. شبهه نیز یکی از دردها و علت‌هاست. طیب نباید فرد را به دلیل ابتلا به مرض، شماتت کند، بلکه باید به دنبال درمان او باشد؛ به همین دلیل کسی را که شبهه دارد، نباید معاند پنداشت (نصیری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۴۳).

ایشان این روش را شیوه معمول امامان اهل بیت<sup>علیهم‌السلام</sup> در احتجاجات خود با دیگران می‌داند و در این باره به اقدام امام حسن عسکری<sup>علیه‌السلام</sup> در برابر ابن‌اسحاق کندی فیلسوف مشهور مسلمان اشاره می‌کند. کندی که تفکرات الحادی داشت، شش ماه درس خود را تعطیل کرد تا تناقضات قرآن را جمع‌آوری کند. امام به‌وسیله یکی از شاگردان به او پیغام داد: آن کسی که قرآن سخن اوست، اگر بگوید آنچه توبه‌عنوان اختلاف و تناقض می‌فهمی فقط برداشت تو است و من آن را قصد نکرده‌ام، چه می‌کنی؟ کندی با شنیدن این سخن تکان‌دهنده، همه کاغذهایی را که در آن مدت گرد آورده بود، به آتش کشید (همان). همه تلاش استاد در حوزه پاسخ‌گویی به شبهات قرآنی این بود که بتواند مخاطب را اقناع و شبهه را از ذهن او بزداید و جذب قرآن نماید. این روش همان روش تربیتی و هدایتی است. عوامل دخیل در این روش مانند به‌کاربردن زبان ساده و قابل فهم عمومی، ارائه الگو، آگاه‌سازی پیامد منفی، اعتدال در پاسخ و به‌دور از هرگونه افراط و تفریط، انذار برای کسانی که مغرضانه شبهه‌پراکنی می‌کنند، بشارت برای کسانی که به پاسخ شبهه برسند، بیان تدریجی در پاسخ از جواب نقضی تا حلّی، عدم پیروی از ظن و مطرح کردن یقینات، تحریک عواطف، به‌دور از توهین و تحقیر، عدم سب و توهین به صحابه و فرق و

مذاهب، توجه به مبدأ و معاد، استقبال از شبهه و تشویق به پاسخ، تمثیل و تشبیه‌سازی پاسخ و تقریب اذهان، دعوت به تفکر و مطالعه، منطق‌گویی همراه با محبت، توجه به مقایسه‌سازی، توجه به داوری وجدان و... از مکتوبات و مقالات استاد قابل برداشت است.

## ۶. روش‌های آیت‌الله معرفت<sup>ره</sup> در پاسخ‌گویی به شبهات قرآنی

باتوجه به شرایط کنونی و هجوم شبهات با ابزارهای پیشرفته، اهمیت پاسخ‌گویی به شبهات ازسوی اندیشه‌وران برجسته محسوس می‌شود. دراین میان جایگاه آیت‌الله معرفت به‌عنوان یکی از دانشمندان برجسته دراین باره بر کسی پوشیده نیست؛ لذا هدف از این بررسی، تبیین روش‌شناسی ایشان برای بهره‌گیری در پاسخ‌گویی به شبهات است. روش‌های استاد عبارت است از:

### ۶-۱. بهره‌گیری از دیدگاه لغویون در پاسخ‌گویی

نزول قرآن کریم به زبان عربی و وجود الفاظ غریب، متشابه، مشکل، ثقیل، چندوجهی و... سبب پیدایش روش تفسیر لغوی شد که مفسر با استفاده از ابزار لغت، مترادفات و متضادها، غرایب، مجاز و حقیقت، ریشه لغات و اشتقاق آنها و شکل و تغییرات آنها، مفهوم صحیح آیات را تبیین می‌نماید. سیره معصومان<sup>علیهم‌السلام</sup> نیز استفاده از لغت هنگام لزوم بوده است. پیامبر اکرم<sup>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</sup> در پاسخ پرسش عدی بن حاتم از معنای خیط‌الابيض والاسود می‌فرماید: «یا ابن حاتم! إنما ذلک بیاض النهار و سواداللیل فابتداء الصوم من هذا الوقت» (طبرسی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۵۰۵). استاد معرفت معتقد بود تفسیر لغوی را جزئی از تفسیر موضوعی می‌توان به حساب آورد؛ زیرا به تفسیر و تبیین واژه‌های مشکل قرآن کریم می‌پردازد. او می‌نویسد: قرآن بر آن بوده تا از واژه‌های فصیح و متداول در میان عرب اصیل، از هر قبیله بهره‌گیری و با این روش حکیمانه، وحدت زبانی فراگیری فراهم آورده است (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۵۴۱). ایشان در برخی شبهات قرآنی نیز با استفاده از روش لغوی به نبرد با شبهات می‌رفت؛ برای نمونه وی در مورد آیه: «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ» (ذاریات: ۴۹) که عده‌ای تضاد با علم را استخراج کرده‌اند و نظریه تک‌سلولی را مطرح می‌کنند، با استفاده از نظرات لغویون درباره واژه «زوج» می‌فرماید:

البته این شبهه بر اثر برداشتی است که از تعبیر «زوجین» داشته‌اند و آن را به معنای جفت نر و ماده پنداشته‌اند، در صورتی که «زوج» در این قبیل آیات به معنای «صنف» و مراد از «تثنیه»، مطلق تعدد و تکثر است؛ بدین معناکه از هر چیزی اصناف و انواع متعددی آفریدیم (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۸۰-۳۸۶).

ایشان با استشهاد به آیه ۵۲ سوره الرحمن و آیه ۳ سوره رعد و آیه ۳۶ سوره یس و نیز دیدگاه شیخ طوسی (طوسی، [ابی تا]، ج ۸، ص ۴۲۰)، واژه زوج را به معنای صنف می‌گیرد و ادامه می‌دهد: «وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا» (زخرف: ۱۲). شیخ طوسی می‌گوید: «معناه، خَلَقَ الْأَشْكَالَ مِنَ الْجَمَادِ وَالْحَيَوَانَ» (طوسی، [ابی تا]، ج ۹، ص ۱۸۳). ابن منظور نیز می‌گوید: «وَالزَّوْجُ، الصَّنْفُ» و «وَالزَّوْجُ، الصَّنْفُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ». همچنین به عنوان قرینه از «تهذیب اللغه» ازهری و زجاج شاهد می‌آورد (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۸۰). استاد نیز در طرح شبهه شجره زقوم که در ذیل «طَلَعَهَا كَأَنَّهَا رُؤُوسُ الشَّيَاطِينِ» با استفاده از دیدگاه لغویون مانند: لسان العرب و سیبویه و ازهری و زجاج، واژه شیطان و جن را بررسی و با روش لغوی شبهه اقتباس از فرهنگ عرب را پاسخ می‌دهد و می‌نویسد:

بنابراین تشبیه به کار رفته در آیه شریفه، برابر واقعیت خارجی و عینی است؛ همان سرهای افعی‌های زشت و ترسناک به تعبیر زمخشری در کشاف که لغت و عرف عمومی نیز آن را تأیید می‌کرد و نه خیال‌پردازی صرف یا پیروی از پنداره‌های عرب جاهلی، چنان‌که اینان پنداشته‌اند (همان، ص ۲۳۷).

## ۲-۶. بهره‌بردن از آیات الهی در پاسخ‌گویی

استاد معرفت<sup>۱۱</sup> در بیشتر پاسخ‌ها از آیات الهی استفاده می‌کند؛ چون قرآن کریم را موثق‌ترین منبع برای پاسخ می‌داند. مقصود از روش استفاده از آیات الهی در پاسخ‌گویی به شبهات آن است که هر شبهه‌ای با کمک و استناد آیات دیگر پاسخ داده شود. این روش، هم‌زمان با نزول آیات، آغاز شده و در همه دوران‌های تاریخی از صدر اسلام تاکنون ادامه یافته است و مفسران و قرآن‌پژوهان بدان اهتمام داشته‌اند. این روش همانند روش تفسیر قرآن به قرآن به سبب استناد به منبع وحی مورد توجه مفسران نیز بوده و هست.

بهره‌گیری از آیات الهی در پاسخ به شبهات ریشه در سنت رسول گرامی اسلام<sup>۱۲</sup>، حضرت علی<sup>۱۳</sup> و دیگر معصومان<sup>۱۴</sup> دارد. حضرت علی<sup>۱۵</sup> نیز بر این امر تأکید دارد و می‌فرماید: «کتاب الله ... ینطق بعضه ببعض و یشهد بعضه علی بعض: کتاب خداست ... برخی از آن برخی دیگر را تفسیر می‌کند و برخی از آن به برخی دیگر شهادت می‌دهد» (نهج البلاغه: خ ۱۳۳). آیت‌الله معرفت<sup>۱۶</sup> تفسیر قرآن به قرآن را متقن‌ترین نوع تفسیر می‌داند و در این باره می‌گوید: «لاشک إن اتقن مصدر لتبیین القرآن هوالقرآن نفسه لأنه ینطق بعضه ببعض و یشهد بعضه علی بعض» (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۲).

روش استاد این‌گونه بود که پس از طرح شبهه و تبیین آن به سراغ آیات الهی می‌رفت؛ برای نمونه با طرح شبهه درباره منبع و مصدر قرآن - که برخی آن را الهام یا کتب مقدس یا تراوش ذهنی و...

می‌دانستند - در پاسخ با استناد به آیه: «إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى: نیست، جز وحی‌ای که بر او نازل می‌شود» (نجم: ۴)، منابع دیگر را رد می‌کند. حتی در زمان نزول قرآن، به منابع دیگر همچون افسانه پیشینیان: «وَقَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» (فرقان: ۵) اشاره شده است (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۹). ایشان در ادامه با نقل شبهه‌ای از سوی یوسف درة الحداد که گفته بود: «قرآن از منابع مختلفی بهره برده که مهم‌ترین آنها کتاب مقدس، به‌ویژه تورات است و گواه بر این مطلب خود قرآن است» و به آیات سوره اعلی (اعلی: ۱۸-۱۹) و نجم (نجم: ۳۶-۳۷) و شعراء (شعراء: ۱۹۶-۱۹۷) استناد کرده است (ر.ک: دوره حداد، ۱۹۸۶، ج ۲، ص ۱۷۳-۱۸۸). استاد در مقام پاسخ به آیه ۱۳ سوره شوری استناد می‌کند که همه ادیان الهی از یک سرچشمه زلال سرازیر می‌شوند. اگر در برخی موارد مانند اصول، هیچ‌گونه اختلافی ندارند، به سبب منشأ واحد الهی است (معرفت، ۱۳۸۵، ص ۲۴). همچنین استاد برای اثبات عدم شک برای پیامبران درباره شبهه ورقه بن نوفل به سوره طه (طه: ۱۱-۱۴)، سوره نمل (نمل: ۱۰) و سوره انعام (انعام: ۷۵) استناد می‌جوید (معرفت، ۱۳۸۱، ص ۳۵).

۹۳

یکی از ویژگی‌های بارز روش آیت‌الله معرفت در پاسخ به شبهات قرآنی، استفاده از تحلیل سیاقی آیات بود. سیاق در معانی گوناگونی از جمله: رشته پیوسته، راندن، تابع، اسلوب و روش، امور مخفی و مهریه زن به کار برده می‌شود (ابن منظور، ۱۹۹۰، ج ۱۰، ص ۱۶۶). آیت‌الله معرفت در تعریف سیاق می‌نویسد: قرآن به تدریج و در مناسبت‌های مختلف نازل شده و گاهی مجموعه‌ای از آیات در مناسبت خاصی نازل شده است که لازمه آن وجود رابطه ذاتی میان آنهاست که در اصطلاح سیاق آیه می‌باشد (معرفت، ۱۴۲۹، ج ۵، ص ۲۳۹) و دارای کاربردهای فراوانی در تفسیر قرآن است. نقش سیاق در تفسیر لغت، سعه و ضیق کلمات، تعیین معنای جمله، ترکیب مواد، ترتیب نزول آیات، نقد اسباب نزول، شناخت آیات مکی از مدنی، نقد احادیث تفسیری، تعیین مرجع ضمیر، فهم کلمه یا جمله محذوف، تعیین مصداق کلمه و در ترجیح و تعیین یکی از دو قرائت، قابل مشاهده و مهم است؛ به همین دلیل گره‌های شبهات قرآنی را می‌تواند باز کند (رجبی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۵/بابی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۰). علامه طباطبایی رحمته‌الله بیش از دو هزار مرتبه در تفسیر خود از سیاق استفاده کرده است (کنعانی، ۱۳۸۴، ص ۱۸-۲۷).

استاد معرفت نیز در پاسخ‌گویی به شبهات قرآنی از سیاق آیه کمک می‌گرفت و پاسخ جامع و تحلیل مناسبی ارائه می‌داد؛ برای نمونه ایشان درباره شبهه غرانیق - که شیطان آیه‌ای را به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نازل کرد - به سیاق آیه استناد می‌کند و می‌نویسد:

اول آیه اشاره دارد که تمامی کلام پیامبر وحی الهی است: «إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى». چگونه ممکن است در ادامه شیطان در قلب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نفوذ نماید، درحالی‌که با سیاق آیه سازگاری ندارد (ر.ک:



معرفت، ۱۳۸۱، ص ۳۶-۴۰).

ایشان معتقد بود فهم صحیح قرآن کریم فقط در صورتی ممکن است که آیات در سیاق و زمینه خود مورد توجه قرار گیرند و از تفسیر تک‌بعدی و سطحی اجتناب شود؛ به عبارت دیگر هر آیه باید در ارتباط با آیات دیگر و نیز در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی نازل شدن آن تفسیر شود. این رویکرد سبب شد ایشان قادر باشد پاسخ‌های جامع‌تری به شبهات گوناگون بدهد.

### ۳-۶. بهره‌گیری از احادیث در پاسخ‌گویی

«حدیث» در لغت به معنای هر چیزی نو و تروتازه است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۷۷) و در اصطلاح علمای شیعه عبارت است از کلامی که قول، فعل یا تقریر معصوم<sup>علیه السلام</sup> را گزارش کند (نصیری، ۱۳۸۲، ص ۱۰). برای حجیت حدیث معصوم، ادله عقلی و نقلی وجود دارد که اشاره به آنها از حوصله نوشتار حاضر خارج است، ولی در حجیت قول شخص نبی<sup>صلی الله علیه و آله</sup> همین بس که قرآن کریم آشکارا می‌فرماید: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا: آنچه را به شما داد، بگیرید و از آنچه شما را باز داشت، باز ایستید» (حشر: ۷). افزون بر آن آیه ولایت (مانده: ۵۵)، آیه بلاغ (مانده: ۶۷)، آیه اولی الامر منکم (نساء: ۵۹)، آیه تطهیر (احزاب: ۳۳) و... دلالت بر حجیت کلام معصوم دارد (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۹۱). آیت‌الله معرفت برای شبهه‌زدایی نیز از روایات معتبر اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> بهره می‌گرفت:

الف) برای اثبات سلامت قرآن از تحریف و برطرف کردن شبهه، به روایات اهل بیت<sup>علیهم السلام</sup> استناد می‌کند و سه حدیث (برای مطالعه نامه امام محمد باقر<sup>علیه السلام</sup> به سعدالخیر، ر.ک: کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۲۷) و روایت ابوبصیر از امام صادق<sup>علیه السلام</sup> (همان، ج ۱، ص ۲۸۶) و روایت شیخ مفید از جابر و او از امام باقر<sup>علیه السلام</sup> (مفید، ۱۳۵۲، ص ۳۶۵) را نقل می‌کند و می‌نویسد: «به عبارت دیگر قرآنی که حضرت ارائه می‌دهد، به جز در ترتیب و نحوه تألیف آیات و سوره‌ها هیچ‌گونه تفاوتی با مصحف موجود، ندارد» (معرفت، ۱۳۸۱، ص ۴۵۴-۴۵۵).

ب) در پاسخ به شبهه «جدّ پیامبر اسلام<sup>صلی الله علیه و آله</sup> که حضرت ابراهیم<sup>علیه السلام</sup> بوده و اینکه چرا پدرش از زمره مشرک بوده است»، به حدیثی از پیامبر<sup>صلی الله علیه و آله</sup> استناد می‌کند: «خداوند مرا از صلب مردان پاک به رحم زنان پاک منتقل کرد و مرا با پلیدی‌های جاهلیت نیالود» (سیوطی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۳۳۲). این روایت به اتفاق همگان صحیح است و از زمره عموی ابراهیم بوده، نه پدر (معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۷۱). گفتمنی است استاد در پاسخ‌گویی، از احادیث معتبر و متقن استفاده می‌کرد و تفسیر متأثر، اثری ماندگار از اوست.

## ۴-۶. استفاده از روش عقلی

مفهوم «عقل» به معنای نگه داشتن، بازداشتن و حبس کردن آمده است؛ مانند بستن شتر با عقال (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ص ۵۷۷-۵۷۸). همان گونه که عقال، شتر را از حرکت بی جا بازمی دارد، نیرویی در جان انسان به نام «عقل» وجود دارد که او را از نادانی و لغزش در اندیشه و عمل بازمی دارد؛ از این رو پیامبر گرامی اسلام ﷺ می فرماید: «العقلُ عقْلٌ مِنَ الْجَهْلِ: خرد، بازدارنده از نادانی است» (مجلسی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۹۹). آیت الله معرفت به خوبی از استدلال های عقلانی در پاسخ به شبهات قرآنی بهره می برد. ایشان همواره بر این نکته تأکید می کرد که مفاهیم قرآنی نه تنها در بستر دینی، بلکه در بستر عقل و فلسفه نیز باید تحلیل شوند. وی می نویسد: «تفسیر اجتهادی بر عقل و نظر تکیه می کند، بیشتر از آنکه بر نقل و آثار تکیه کند تا معیار نقد و پالایش، دلالت عقل رشید و رأی درست باشد» (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۳۵). ایشان یکی از ویژگی های تفسیر تابعین را اجتهاد در تفسیر و تکیه بر فهم عقلی می داند و می فرماید:

۹۵



آنان در مسائل قرآنی که به معانی صفات، اسرار خلقت، احوال پیامبران و مثل آنها بازمی گشت، اعمال نظر می کردند و آنها را بر روش عقل عرضه می کردند و بر طبق حکم عقل رشید حکایت می کردند و چه بسا آنها را به آنچه موافق فطرت سالم است، تأویل می کردند (ر.ک: معرفت، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۳۵).

بر همین اساس برخی پرسش ها و شبهات که در زمان حضور ائمه معصومین به سبب مقتضیات زمان مطرح نبود؛ مانند مسائل مربوط به حجیت ظواهر قرآن و وحیانی بودن الفاظ قرآن و... بی شک برای پاسخ به این شبهات از محدودیت های نقلی برخورداریم؛ بنابراین ضرورت بهره گیری از روش عقلی با استفاده از ابزارهای مورد فهم خردمندان، حس می شود.

ایشان در نقد داستان ورقه بن نوفل که می گوید پیامبر از نبوت خویش آگاهی نداشت، از روش عقلی استفاده می کند و می نویسد:

چگونه پیامبری که مدارج کمال را صعود نموده و از مدت ها پیش نوید نبوت را احساس کرد ... به نبوت خود شک می کند و متوسل به ورقه می شود؛ یعنی ورقه فهمید و پیامبر متوجه نشد! (معرفت، ۱۳۸۱، ص ۳۲).

همچنین در ادامه نیز ناسازگاری این داستان را با مقام شامخ نبوت مطرح می کند. استاد در بیشتر شبهات علاوه بر روش نقلی، با روش عقلی نیز پاسخ می گفت؛ مانند شبهات درباره وحی و ارتباط خدا با انسان و معجزات انبیا و موجودات ماورایی، مباحث معاد و قیامت و... (ر.ک: همو، ۱۳۸۵، ج ۱).

## ۵-۶. سودجستن از علوم روز در پاسخ‌گویی

روش استاد معرفت در پاسخ به شبهات قرآنی نه تنها بر اصول تفسیر دقیق و علمی استوار بود، بلکه به‌شکلی همگام با علوم و تحولات روز دنیا قرار داشت. صدها مورد از آیات الهی به علوم طبیعی اشاره دارد و بدون فهم علوم طبیعی نمی‌توان به فهم قرآن پرداخت. علامه در التمهید (ر.ک: همو، ۱۴۲۹، ج ۶)، بیش از دویست صفحه و در کتاب علوم قرآنی، فصلی را به اعجاز علمی اختصاص داده و شبهات در مورد آیات علمی قرآن را پاسخ داده است؛ برای نمونه به جن‌زدگی و مجنون در قرآن کریم اشاره می‌کند و ریشه آن را مشکل روانی می‌داند که از طریق روان‌درمانی برطرف می‌گردد، نه اینکه جن وارد بدن و سبب دیوانگی شود (همان، ص ۲۳۵). همچنین در جای دیگر می‌نویسد: از جمله آیاتی که به گمان برخی با علم منافات دارد، آیه «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ: تمامی موجودات را جفت [نر و ماده] آفریدیم» (ذاریات: ۴۹) است، در صورتی که برخی موجودات مانند حیوانات ابتدایی، تک‌سلولی‌اند و دسته‌ای از کرم‌ها از راه تقسیم، تکثیر می‌شوند و تولیدمثل می‌کنند و نیز برخی درختان، بدون گرده‌افشانی ثمر می‌دهند. استاد پس از بررسی لغوی زوجین به سراغ علم زیست‌شناسی می‌رود و با استناد به اقوال دانشمندان درباره زوجیت به این نتیجه می‌رسد که بعضی از موجودات همچون کرم در درون خود دارای مذکر و مؤنث‌اند؛ یعنی زوج‌اند و علوم با آیات الهی در تضاد نیست (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۸۵-۳۸۶). استاد معرفت در پاسخ به شبهه قلب که محل ادراک است یا خیر، دیدگاه‌های گوناگونی را بررسی می‌کند و می‌نویسد: «تحقیقات علمی تاکنون موفق به کشف مرکز فرماندهی کنش‌های جسمانی (یعنی قدرت اصلی تدبیر بدن) نشده است؛ زیرا اعمال فیزیولوژیک در عین چندگونگی و چگونگی، همه از یک مرکز دستور می‌گیرند و از این نظر دارای وحدت حقیقی و بسیط‌اند» و نتیجه می‌گیرد که معنای قلب، روح است و ابزار آن مغز بوده که می‌تواند فرماندهی بدن را انجام دهد (ر.ک: همان، ص ۳۸۸). همچنین با اشاره به آیه ۱۸ سوره نمل که حضرت سلیمان سخن مورچه را شنیده است، به دنبال آن برخی شبهه‌ای مطرح کرده‌اند که مورچه سخن نمی‌گوید، بلکه با ارسال امواج پیام می‌دهد، در پاسخ می‌نویسد: مورچگان و نیز دیگر حشرات، فاقد صدا هستند و صرفاً با ارسال امواج و حس بویایی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و این دو هیچ ارتباطی به کلام صوتی ندارد، ولی مهم آنکه همه جانداران راهی ویژه برای ایجاد ارتباط با یکدیگر دارند؛ حال یا با ایجاد صداهای خاصی (مانند چهارپایان و پرندگان) یا با ارسال امواج (مانند حشرات) است. امروزه علم، منطق و سخن‌گفتن چهارپایان و حتی برخی ماهیان را اثبات کرده است. در ادامه با نقل قولی از یک دانشمند انگلیسی به نام برسی می‌نویسد: امکان نقل افکار و اندیشه‌ها در اوقاتی نادر و

تحت شرایطی خاص رخ می‌دهد و این مطلب مورد اتفاق همه پژوهشگران است. این‌گونه تبادل نیز گاهی میان حشرات و حیوانات آشکارا دیده می‌شود و بدین‌وسیله درمی‌یابیم که جانداران از جمله مورچگان، با انتقال پیام از راه دور (تله‌پاتی) با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و انسان نیز استعداد ایجاد این‌گونه ارتباط را دارد (همان، ص ۳۸۹-۳۹۰/ نیز ر.ک: طنطاوی، [بی‌تا]، ج ۱۳، ص ۱۵۸). در مسئله شبهه صلب و ترائب استاد می‌نویسد: «آنچه به نظر مشهور و دیدگاه علم و لغت نزدیک است اینکه آب منی از بین ستون فقرات پشت و دو استخوان ران پا (محل آلت تناسلی) خارج می‌شود» (معرفت، ۱۴۲۹، ج ۶، ص ۶۴). گفتنی است استاد در استفاده از علوم طبیعی در پاسخ‌گویی به شبهات قرآنی از شیوه تطبیق بهره جستند، نه استخراج علوم از قرآن و نه تحمیل علوم بر قرآن (نصیری، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۵۷۷).

## ۶-۶. روش نقضی و حلی در پاسخ‌گویی به شبهات

۹۷



— روش نقضی: نقض در لغت به معنای شکستن است (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه نقض). «جواب نقضی» یکی از انواع پاسخ در استدلال و مناظره است. این نوع پاسخ بدین صورت است که برای رد کردن ادعای طرف مقابل، مثال یا حالتی آورده می‌شود که ادعای او را نقض کند یا نشان دهد سخن او اگر درست باشد، لوازمی دارد که خود مستشکل و دیگران نیز نمی‌پذیرند؛ به عبارت دیگر در جواب نقضی از جنس خود نظریه، ماده نقض را می‌یابیم. این نوع پاسخ بیشتر جنبه تخریبی دارد، ولی توضیح منطقی یا اثباتی ارائه نمی‌دهد، بلکه اشکال یا ضعف ادعا را بیشتر نشان می‌دهد؛ به عبارت دیگر اشکال تکثیر می‌شود تا اینکه ضعف آن آشکار شود (محمدی، ۱۳۹۱، ص ۲۳).

استاد معرفت در مواجهه با شبهات در گام نخست با جواب نقضی به دنبال سست کردن شبهه و بیان ضعف ادعا بوده است. ایشان در جایی می‌فرماید: «بنده اگر بخواهم شبهه‌ای را نقد کنم، اول زمینه‌سازی می‌کنم و طرح شبهه را سبک می‌نمایم تا پذیرفته نشود» (نصیری، ۱۳۸۷، ص ۳۹)؛ برای نمونه در پاسخ به این اندیشه که «کوتاهی آیه‌ها و سوره‌های مکی و بلندی آیه‌ها و سوره‌های مدنی، دلیل بر تفاوت دو جامعه مکه و مدینه است. مردم مکه غالباً بیسواد، فاقد فرهنگ، خشن و دور از تمدن بودند؛ لذا متناسب با آن محیط، کم‌گفتن، کوتاه‌گفتن و مفید آوردن آیات ضرورت داشت، ولی مردم مدینه تا حدودی دارای فرهنگ، باسواد و آشنا به تمدن بودند و متناسب با آن محیط، به تفصیل سخن گفته شده است»، از جواب نقضی استفاده می‌کند و می‌فرماید:

اولاً، متناسب با محیط سخن گفتن، شیوه سخن‌دان ورزیده و شرط بلاغت است. هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد؛ ثانیاً، چه بسیار از سوره‌های بلند در مکه نازل شده است؛ مانند سوره‌های

انعام (۱۶۵ آیه)، اعراف (۲۰۶ آیه)، اسراء (۱۱۱ آیه)، كهف (۱۱۰ آیه)، طه (۱۳۵ آیه)، مریم (۹۸ آیه)، انبیا (۱۱۲ آیه) و مؤمنون (۱۱۸ آیه) و نیز در مدینه سوره‌های كوچك و كوتاه نازل شده است؛ مانند سوره نصر، زلزله و بینه (معرفت، ۱۳۸۱، ص ۶۶).

استاد در برخی پاسخ‌ها به نقضی بودن جواب خود تصریح می‌کند (همان).

- **روش حلّی:** «پاسخ حلّی» آن است که جهات نقص استدلال طرف مقابل، اشتباهات و مغالطه‌هایی که در آن صورت گرفته است، با استناد به ادله محکم و متقن بیان شود. پاسخ نقضی همانند داروی مسکن است، ولی پاسخ حلّی شبیه جراحی است که ریشه بیماری را می‌خشکاند (محمّدی، ۱۳۹۱، ص ۲۵). با بررسی کتاب‌های نقد شبهات در مورد قرآن کریم و مصونیت قرآن از تحریف، تاریخ قرآن، علوم قرآنی، تفسیر و مفسران به این نتیجه رسیده‌ایم که استاد در پاسخ‌گویی به شبهات، علاوه بر جواب نقضی، پاسخ حلّی نیز می‌دادند که مستند به آیات الهی، احادیث معتبر، تاریخ، عقل، اجماع و... است.

## ۷-۶. به کاربردن روش جدلی

مفهوم جدل به معنای نزاع، دشمنی، نزاع لفظی، مشاجره و مناظره آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژه جدل) و در زبان عربی به معنای محکم تافتن رسن می‌باشد (ابن منظور، ۱۹۹۰، ج ۱۱، ص ۱۰۳)؛ یعنی یکی از طرفین مجادله می‌کوشد با استوار کردن رأی خویش، بنیاد رأی و عقیده طرف دیگر را سست کند. در قرآن کریم نیز به جدال احسن توصیه شده است (نحل: ۱۲۵). مواد و مقدمات تشکیل دهنده قیاس جدلی عبارت‌اند از: قضایای مشهوره (قضایایی که بین مردم شهرت دارد و همه عَقلاً یا اکثراً آنها را تصدیق می‌کنند؛ مانند نیکو بودن عدالت)، مقبوله (قضایایی که از پیامبر ﷺ یا وصی او یا حکما و دانشمندان گذشته و حال و کسانی که اعتماد به صدق آنها داریم، گرفته می‌شود و گفتارشان به عنوان دلیل برای ما حجت است) و مسلّمه (قضایایی‌اند که در مقام احتجاج، شخص مجادل آنها را از طرف مقابل که بدان معتقد است، می‌پذیرد و بر اساس آن علیه او استدلال می‌کند؛ خواه در نزد خود شخص صحیح باشد یا باطل) (ر.ک: خزائلی، ۱۳۹۰، ص ۴۲-۴۶).

استاد معرفت در پاسخ‌گویی به شبهات قرآنی از روش جدلی غافل نبوده است؛ برای نمونه؛ ویل دوران آیت الهی را اقتباس شده از متون کهن می‌داند، دلیل او نیز این است که آیات قرآن و کتب کهن همگون‌اند؛ چراکه داستان‌ها و حکمت‌های قرآن کریم همان‌هاست که در کتب یهود و اناجیل و حتی در آموزه‌های زردشت و برهما آمده است؛ از جمله داستان معراج و نعمت‌های اخروی و جهنم و صراط و... در ادامه اضافه می‌کند: قرآن، نمادی از تلمود است که از عالمان یهود و دیگر

ادیان که با جزیره العرب ارتباط نزدیک داشتند، به پیامبر رسیده و پیامبر پیش از آنکه نبوت خود را علنی سازد، با آنان برخورد داشت (ویل دورانت، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۲۳۶).

استاد معرفت در پاسخ، علاوه بر استفاده از روش قرآنی و عقلی، از شیوه جدل نیز بهره برده است و با مطرح کردن پرسش می نویسد:

همگرایی و همسخنی ادیان آسمانی، ناگزیر باید دلیلی منطقی داشته باشد که یکی از موارد سه‌گانه زیر خواهد بود: ۱. برخورداری از خاستگاه مشترک؛ ۲. یا به دلیل آنکه برخی از برخی دیگر گرفته شده‌اند؛ ۳. یا آنکه این همانندی از روی اتفاق بوده است.

استاد در ادامه می نویسد:

بی تردید، گزینه سوم را نمی‌توان پذیرفت؛ چراکه با حکمت شگرف حاکم بر جهان تدبیر نمی‌خواند. می‌ماند دو گزینه نخست. سنوآل این است؛ این جماعت را چه شده که گزینه مستدل نخست (یعنی مسلمات بدیهی) را نادیده گرفته و بر آن گزینه بی‌پایه و سست دوم هم‌داستان شده‌اند که این خود تأمل برانگیز است (معرفت، ۱۳۸۵، ص ۲۱).

۹۹



## ۶-۸. بهره‌بردن از دیدگاه قرآن پژوهان فریقین در پاسخ‌گویی

استفاده از اندیشه دیگران موفقیت‌ها را افزایش و خطاها را کاهش می‌دهد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که با خردمندان و عاقلان مشاوره کند، به نور عقل‌ها و خردها روشنی یابد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۶۲۹). همچنین می‌فرماید: «هرکس با دیگران مشورت نماید، از اندیشه‌های آنان بهره گرفته است» (نهج البلاغه، ح ۱۶۱). روش استاد معرفت در پاسخ‌گویی، روش علمی و دور از تعصب بود و به دیدگاه‌ها توجه داشت و از ظرفیت فریقین در امر پاسخ‌گویی استفاده می‌کرد؛ برای نمونه در داستان ورقه‌بن نوفل به دیدگاه بزرگان فریقین مانند قاضی عیاض و امین‌الاسلام طبرسی استناد می‌کند و ادله آن دو را برای پاسخ به شبهه ذکر می‌کند (معرفت، ۱۳۸۱، ص ۳۵). در شبهه غرانیق نیز به دیدگاه فریقین توجه داشته و نظر قاضی عیاض، ابن‌عربی، محمدبن اسحاق و استاد محمدحسین هیکل را در رد شبهه نقل می‌کند (همان، ص ۳۸-۳۹). این روش سبب جامعیت در پاسخ و اقتناع بیشتر و بهتر مخاطب است.

## ۶-۹. بهره‌گیری از تاریخ در پاسخ‌گویی

برای پاسخ‌گویی به برخی شبهات قرآنی لازم است از تاریخ و تحولات آن استفاده شود. بعضی شأن نزول‌های آیات قرآن کریم در ارتباط با حوادث گذشته است؛ بنابراین آگاهی از تاریخ عصر نزول یا

سبب نزول و شأن نزول، ضرورت مضاعف دارد. با افزایش معرفت نسبت به تاریخ، شبهاتی همچون تناقض ظاهری آیات، تعیین مصداق آیات، دفع توهم حصر، اعتباربخشی به سیاق آیات، شناخت آیات مکی و مدنی، ترتیب نزول، شناخت احکام ثابت و متغیر و ناسخ و منسوخ و... مرتفع خواهد شد. استاد معرفت کتابی با عنوان تاریخ قرآن به رشته تحریر درآورد و همه تلاشش بر این بود که با تحقیق تاریخی و بدون اقتباس، به تاریخ قرآن بپردازد و شبهات آن را پاسخ گوید. وی در مقدمه تاریخ قرآن می نویسد:

ویژگی کتاب حاضر در آن است که راه اقتباس را کنار گذارده و راه تحقیق را پیش گرفته است. سعی بر آن بوده که تمامی مباحث آن از پژوهشی نوین با استناد بر شواهد و منابع اصیل تاریخی برخوردار باشد (همو، ۱۳۸۲، ص ۴).

ایشان در نقد شبهه ورقه بن نوفل که خبر از نبوت پیامبر ﷺ داده بود، با استناد به تاریخ سیره ابن هاشم می نویسد: «ورقه فردی با سواد اندک و کم و بیش از تاریخ انبیای سلف باخبر بود و عبادت بت را انجام می داد» (همو، ۱۳۸۲، ص ۲۴/ همو، ۱۳۸۱، ص ۳۱). در ادامه با استناد به سیره حلبی می نویسد: «ورقه هرگز به دین مبین اسلام مشرف نشد» (همان، ص ۳۶). استاد در مباحث تاریخ قرآن به شبهات مکی و مدنی بودن سوره ها (همو، ۱۳۸۲، ص ۵۲)، تردید در آغاز نزول قرآن بین شب بعثت یا شب قدر (همو، ۱۳۸۱، ص ۳۲) و چگونگی و محتوای مصحف امام علی ؑ (همان، ص ۸۵) اشاره و با استناد به تاریخ، به پاسخ آنها پرداخته است. وی همچنین هویت و موقعیت تاریخی و جغرافیای قوم یاجوج و ماجوج و سدّ معروف آنان، تمدن بشری در عصر ذوالقرنین و فناوری مورد استفاده در ساختن سدّ یاجوج و ماجوج یا سدّ تاریخی کوروش می پردازد و در ادامه این پرسش را مطرح می کند: آیا دیوار «در بند»، همان سدّ یاجوج و ماجوج است که بعدها از سوی انوشیروان بازسازی شده است؟ آیا ذوالقرنین همان کوروش است؟ آیا عبد صالح خدا هم اوست که منشور حقوق بشر را پس از فتح سرزمین بابل ابلاغ کرد و بر لوح سنگی نقش بست؟ سپس شواهد تاریخی بر اثبات و نفی این فرضیه را مطرح می کند (همو، ۱۳۸۵، ص ۴۶۸-۵۳۰) و در پایان به مناسبت، سخن از سدّ بزرگ مأرب و سازنده آن و نیز دیوار چین می کند و ارتباط نداشتن آن با سدّ ذوالقرنین یا اسکندر مقدونی را اثبات می نماید و با نگاهی به تاریخ بنی اسرائیل در سرزمین مصر، پاسخ را به پایان می رساند (همان). همچنین در جهت اثبات حقیقت داشتن گزاره های تاریخی و واقعیت داشتن داستان های یادشده، موارد بسیاری از داستان های قرآن را مورد بررسی تاریخی - تطبیقی قرار داده است؛ مانند داستان فرزندان آدم، قوم عاد و ثمود، ناقه صالح، اصحاب کهف و رقیم و هویت آنان (همو، ص ۴۵۲-۴۶۸).

## نتیجه

با بررسی مکتوبات استاد معرفت، به هشت مدل روش پاسخ‌گویی به شبهات دست یافتیم که قابل افزایش نیز هست: روش قرآنی و بهره‌گیری از سیاق آیات، روش نقضی و حلّی، روش روایی، روش تاریخی، روش لغوی، روش علمی، روش دیدگاه فریقین، روش عقلی و روش جدلی. بیشتر کتاب‌های استاد معرفت در جهت پاسخ به شبهات بود و به شبهات نو و جدید مستشرقان و روشنفکران داخلی و خارجی توجه داشت. استاد در سنین جوانی، ماهنامه «پاسخ به شبهات» را راه‌اندازی کرد که نشان از اهتمام جدی به پاسخ‌گویی دارد. به نظر می‌رسد ایشان با شیوه تربیتی به دور از توهین و افترا و همراه با عطف و مهربانی، توانسته است مخاطبان بسیاری از فریقین را جذب و اذهان مشوّش جامعه علمی را نسبت به قرآن کریم اقناع نماید.

## منابع

۱. ابن فارس، زکریای قزوینی؛ معجم مقانیس اللغة؛ [بی‌جا]: مرکز نشر مکتب اعلام اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ بیروت: دارالفکر، ۱۹۹۰م.
۳. بابایی، علی اکبر و دیگران؛ مکاتب تفسیری؛ قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱.
۴. برنجکار، رضا؛ روش شناسی علم کلام؛ قم: مؤسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۹۱.
۵. بهجت پور، عبدالکریم؛ «سیری در زندگی آیت الله معرفت»، بینات؛ ش ۴۴، زمستان ۱۳۸۳، ص ۴۹-۱۰.
۶. تمیمی آمدی، ناصرالدین؛ غرالحکم و دررالکلم؛ قم: دارالکتاب اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۷. جوهری، طنطاوی؛ تفسیرالجواهر؛ بیروت: دارالفکر، [بی‌تا].
۸. حرّ عاملی، محمدحسن؛ وسائل الشیعة؛ ج ۷، تهران: فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴.
۹. خزائلی، محمدعلی؛ جدل، استدلال و مناظره در قرآن کریم؛ قم: ابتکار دانش، ۱۳۹۰.
۱۰. دره حداد، یوسف؛ القرآن دعوة النصرانية؛ ج ۲، بیروت: المكتبة البولسية، ۱۹۸۶م.
۱۱. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه؛ ج ۲، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۲. راغب اصفهانی، ابوالقاسم؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ ج ۲، تهران: المكتبة المرتضوية، ۱۳۶۲.
۱۳. رجبی، محمود و دیگران؛ روش شناسی تفسیر قرآن؛ ج ۱۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۹.
۱۴. ساروخانی، باقر؛ درآمدی بر دائرة المعارف علوم اجتماعی؛ تهران: کیهان، ۱۳۸۰.
۱۵. سیوطی، جلال‌الدین؛ درالمنثور فی تفسیرالمأثور؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۱۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ تفسیرالمیزان؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۷۴.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان؛ ج ۵، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیرالقرآن؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، [بی‌تا].
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین؛ قم: نشر هجرت، ۱۴۱۰ق.
۲۰. کلینی، محمد؛ اصول کافی؛ ترجمه محمدباقر کمره‌ای؛ ج ۳، قم: اسوه، ۱۳۷۵.
۲۱. کنعانی، سیدحسین؛ «سیر تحول کاربرد سیاق در تفسیر»، مشکوة؛ ش ۸۷، تابستان ۱۳۸۴، ص ۲۷-۱۸.
۲۲. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ تهران: المکتبه الإسلامیه، ۱۳۸۵.

۲۳. محمدی، رضا؛ «شیوه‌شناسی پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات دینی»، پیام؛ ش ۱۰۹، ۱۳۹۰، ص ۲۰-۳۵.
۲۴. معرفت، محمدهادی؛ التمهید فی العلوم القرآن؛ قم: مؤسسه نشر التمهید، ۱۴۲۹ق.
۲۵. معرفت، محمدهادی؛ تاریخ قرآن؛ ج ۵، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
۲۶. معرفت، محمدهادی؛ تفسیر و مفسران؛ قم: مؤسسه نشر التمهید، ۱۳۷۹.
۲۷. معرفت، محمدهادی؛ علوم قرآنی؛ قم: مؤسسه نشر التمهید، ۱۳۸۱.
۲۸. معرفت، محمدهادی؛ نقد شبهات پیرامون قرآن کریم؛ قم: مؤسسه نشر التمهید، ۱۳۸۵.
۲۹. مفید، محمد؛ الإرشاد؛ تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۵۲.
۳۰. نصیری، علی؛ «معرفت قرآنی»، مجموعه مقالات کنگره آیت‌الله معرفت؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
۳۱. نصیری، علی؛ آشنایی با علوم حدیث؛ قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۲.
۳۲. ویل دورانت، ویلیام جیمز؛ تاریخ تمدن؛ ترجمه مجموعه نویسندگان؛ تهران: علمی و فرهنگی، ۱۴۰۱.

